

## نقش روسیه در اقتصاد جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز

رضا پاکدامن<sup>۱</sup>

اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی از وقایع کم‌نظیر قرن معاصر بوده که اثر شگرفی بر روابط بین‌الملل داشته است. یکی از پیامدهای این واقعه کسب استقلال شش جمهوری مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد. منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل دارا بودن موقعیت ژئوپلیتیک و منابع طبیعی غنی و بکر موجود در آن، توجه جهانیان را به خود معطوف ساخته است. ذکر بعضی آمار مربوط به ظرفیتهای اقتصادی منطقه، نمایانگر اهمیت جهانی آن می‌باشد. به‌عنوان نمونه، جمهوری تاجیکستان که فقیرترین جمهوری شوروی سابق بوده و هم‌اکنون از مشکلات سیاسی حادی رنج می‌برد، ۱۴ درصد از ذخایر اورانیوم شناخته شده در دنیا را در خود جای داده و میزان ذخایر معادن مس و روی آن نیز قابل ملاحظه است. جمهوری ازبکستان نیز دارای یک چهارم ذخایر طلای جهان می‌باشد و جمهوری ترکمنستان دارای سومین رتبه از نظر دارا بودن ذخایر سولفور و نیز منابع گاز طبیعی در جهان می‌باشد.

منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل دارا بودن موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی و نیز وجود ثروتهای هنگفت نهفته در آن، از زمانهای دور مورد توجه قدرتهای منطقه‌ای و بین‌المللی قرار داشته است.

کشور روسیه به دلیل همجواری با منطقه، طی تاریخ بیشترین نفوذ و دخالت را در آن داشته که سابقه مداخلات مسکو در این منطقه به دوران حکومت تزار ایوان مخوف در قرن شانزدهم میلادی برمی‌گردد. تزارهای روسی به منطقه آسیای مرکزی به‌منزله سرزمینهای گسترده بی‌صاحب نگریسته و به‌منظور گسترش امپراتوری خود، این منطقه غنی را مورد تاخت و تاز قرار می‌دادند.<sup>۲</sup>

وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه در سال ۱۹۱۷ تحول مثبتی در روابط استعماری مسکو با مردم این منطقه پدید نیاورد. روسهای «سرخ» نیز ادامه سلطه بر این منطقه را از نظر

۱. آقای رضا پاکدامن، محقق مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی است.

۲. مایکل ریوکی، حکومت مسکو و مسئله مسلمانان آسیای مرکزی شوروی، مترجم، محمود رمضان‌زاده، (مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۶)، صص ۲۶-۳۲.

سیاسی و اقتصادی ضروری تشخیص داده و طی دوران حیات حکومت شوروی، سیاستهای خاصی در قبال این منطقه اتخاذ نموده بودند. سیاستهای اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی را به سه دوره تقسیم کرده‌اند:

الف) دوره حاکمیت کمونیسم جنگی: طی این دوره که از سالهای ۱۹۱۷ لغایت ۱۹۲۱ ادامه داشت، رهبران بلشویک سیاستهایی از جمله حذف پول از نظام اقتصادی کشور، منع معاملات بخش خصوصی، مصادره مازاد محصولات کشاورزی و ملی کردن زمین را دنبال می‌کردند، که موجب بروز هرج و مرج در کشور گردید.

ب) دوره اجرای سیاستهای جدید اقتصادی (نپ):<sup>۱</sup> با توجه به معضلات پدید آمده در امور کشور، رهبران شوروی سالهای ۱۹۲۱ لغایت ۱۹۲۸ را به اصلاح و نظم‌دهی اقتصاد شوروی اختصاص دادند. این دوره نیز نتوانست به‌طور مؤثر وضعیت جمهوری‌های شوروی را سامان دهد.

ج) دوره اجرای برنامه‌های پنج‌ساله: در سال ۱۹۲۸ حزب کمونیست شوروی، استالین را به‌عنوان رهبر و سوسیالیسم را به‌عنوان سیاست کلی جدید حزب تعیین نمود. آغاز زمامداری استالین و اجرای مدل اقتصادی وی، نقطه عطف اجرای سیاستهای استعماری روسیه علیه جمهوری‌های مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز بود.

استالین که به‌زعم خود به‌منظور نجات شوروی از وضعیت بحرانی، مدل اقتصادی خود را بر دو محور اشتراکی کردن و صنعتی کردن قرار داده بود، سنگ بنای وابستگی اقتصادی این جمهوری‌های مسلمان را به روسیه بنا نهاد که بعد از گذشت بیش از ۶۰ سال مردم این جمهوری‌ها کماکان از تبعات سیاستهای مزبور متضرر و در تنگنا می‌باشند.

طبق مدل اقتصادی استالین که به‌زور سرنیزه و سرکوب هرگونه مخالفت اجرا گردید، بعضی از جمهوری‌های شوروی سابق به تهیه مواد اولیه برای تولید صنعتی در دیگر جمهوری‌ها، اختصاص یافتند. در مدل اقتصادی استالین، مناطق لنینگراد، مسکو، در جمهوری روسیه و کیف<sup>۲</sup>، خارکوف<sup>۳</sup> و دریاچه دونت<sup>۴</sup> در جمهوری اوکراین به‌عنوان مناطق صنعتی شوروی سابق تعیین گردیدند.

در مقابل، جمهوری‌های مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز وظیفه تأمین مواد اولیه موردنیاز مناطق صنعتی شوروی را به‌عهده گرفتند.<sup>۵</sup>

1. New Economic Policy (NEP)

2. Kiev

3. Kharkov

4. Donets Basin

5 Marshall L. Goldman, *USSR in Crisis, The Failure of the Economic System*, (New York: W. W.

در این طبقه‌بندی از جمهوری‌های شوروی سابق، رهبران بلشویک اکثراً روس، نه مصالح کل مردم اتحاد جماهیر شوروی، بلکه دیدگاه‌های ملی‌گرایانه روسی خودشان را دخالت داده بودند.

زیرا با توجه به ریشه‌های تاریخی اعتقاد روسها مبنی بر برتری بر اقوام دیگر منطقه، بعد از انقلاب اکتبر نیز رهبران بلشویک که اکثراً روس بودند، جمهوری‌های غیرروس شوروی را به سه گروه زیر طبقه‌بندی و سیاست‌های اقتصادی - سیاسی و حتی فرهنگی را متناسب با طبقه اعطایی به هر جمهوری اعمال می‌کردند.

۱. جمهوری‌های قابل اعتماد، جمهوری‌های اسلاو و جمهوری‌های واقع در منطقه بالتیک به دلیل دارا بودن مشترکات فرهنگی، قومی و مذهبی مورد اعتماد هیئت حاکمه شوروی سابق بوده بعد از روسیه بیشترین امتیازات و امکانات توسعه به این جمهوری‌ها اختصاص می‌یافت.

۲. جمهوری‌های مشکوک، جمهوری‌های گرجستان، ارمنستان و آذربایجان که در منطقه قفقاز واقع شده‌اند، به دلیل آنکه الحاق آنها به اتحاد جماهیر شوروی «کم‌ویش» داوطلبانه لیکن به واسطه اجبار بوده، به عنوان جمهوری‌های مشکوک رفتار می‌گردید.

۳. جمهوری‌های غیرقابل اعتماد، جمهوری‌های مسلمان آسیای مرکزی که دارای سابقه طولانی مبارزه استقلال‌طلبانه علیه حکومت‌های تزاری و کمونیستی روسها بودند، در فهرست جمهوری‌های غیرقابل اعتماد حکومت شوروی سابق قرار داشته، و نتیجتاً کمترین توسعه اقتصادی و فرهنگی بین جمهوری‌های شوروی سابق متعلق به این جمهوری‌ها بوده، که یکی از نمونه‌های اعمال سیاست‌های ناعادلانه علیه این جمهوری‌ها، در اجرای برنامه اقتصادی استالین مشهود می‌باشد.<sup>۱</sup> نحوه اجرای برنامه اقتصادی استالین در جمهوری‌های مسلمان، نمایشی از یک تصفیه حساب سیاسی با مسلمانان این منطقه بود.

طبق برنامه‌های اقتصادی شوروی سابق که از زمان استالین شروع گردید، مناطق آسیای مرکزی را مأمور کشت پنبه و استخراج مواد معدنی از منابع غنی موجود در آنها و انتقال این مواد اولیه به کارخانجات واقع در سایر جمهوری‌های شوروی سابق که عمدتاً در روسیه و اوکراین قرار داشتند، بود.

در اجرای این سیاست، زمینهای مرغوب کشاورزی جمهوری‌های مسلمان، اکثراً به کشت پنبه بجای غلات و برنج اختصاص یافته که این موضوع موجب گردید که جمهوری‌های

مزبور حتی برای تأمین گندم موردنیاز خود دست نیاز به سوی دیگر جمهوری‌ها خصوصاً روسیه درازنمایند.

در انتخاب پنبه برای کشت در این منطقه وسیع، حتی ملاحظات اجتماعی و منافع اقتصادی کل کشور شوروی سابق مدنظر طراحان این سیاست قرار نداشت. زیرا محصول پنبه نسبت به سایر محصولات کشاورزی، نیروی کار عظیمی به خود اختصاص می‌دهد. مثلاً کاشت و برداشت پنبه ۳۵ برابر محصول گندم یا چغندر قند، ۱۴ برابر سیب‌زمینی و ۶ برابر سبزیجات به نیروی کار کشاورزی و نیز مقدار زیادی آبیاری احتیاج دارد. مضافاً این که تمرکز بیش از حد کشت پنبه موجب پراکندگی آفات نباتی در سطح منطقه آسیای مرکزی شده بود. بررسی تبعات سیاست کشت پنبه در مورد ازبکستان، می‌تواند نمایانگر نمونه‌ای از وضعیت اسفبار کل منطقه باشد. قبل از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، محصول گندم ۷۰٪ و پنبه فقط ۱۹٪ بود، در صورتی که در سال ۱۹۸۹، محصول گندم ۲۱٪ و پنبه ۴۷٪ از کل محصولات کشاورزی این جمهوری را تشکیل می‌داد و میزان کل برداشت پنبه از ۳۵۰ هزار تن در سال ۱۹۱۳ به ۵ میلیون تن در سال ۱۹۹۰ رسید. این موضوع موجب گردید که خاک کشاورزی این جمهوری را فقیر، منابع زیاد آب و نیروی انسانی را به خود تخصیص دهد.<sup>۱</sup>

کشت پنبه به میزانی بسیار بیش از نیاز مصرف داخلی این جمهوری‌ها بوده، به طوری که جمهوری ازبکستان دوسوم پنبه شوروی سابق را تأمین و فقط بخش ناچیزی از محصولات (حدود ۴ تا ۵ درصد تا پایان ۱۹۷۰) در داخل این جمهوری مصرف و بقیه محصول به کارخانجات پارچه‌بافی منتقل می‌گردید.

سیاست تک‌محصولی کردن جمهوری‌های مسلمان، آنچنان از ماهیت استعماری برخوردار بود که حتی اعتراض شدید بعضی از رهبران محلی احزاب کمونیست این جمهوری‌ها را برانگیخت و این اعتراضات شدیداً توسط دولت کرملین سرکوب گردید.

از جمله این افراد، فیض‌ا... خوجایف، رئیس سابق دولت ازبکستان بود که به جرم مخالفت با سیاست تک‌محصولی کردن جمهوری ازبکستان و منحصر کردن محصولات این جمهوری به پنبه، اعدام گردید.<sup>۲</sup> سیاست اقتصادی شوروی در قبال جمهوری‌های آسیای مرکزی نه تنها کشاورزی، بلکه دامپروری این مناطق را نیز نابود کرد. آغاز وابستگی و تخریب اقتصاد ملی این جمهوری‌ها با فرمان ۳۰ ژوئن ۱۹۳۰ مبنی بر ایجاد مزارع اشتراکی مصادف بود. ملزم ساختن دامپروران به تحویل دامهایشان به مزارع اشتراکی، موجب گردید قبل از رسیدن مهلت

1. Unal Ceviköz, *A brief account of the economic situation in the former soviet republics of Central Asia*, Central Asian Survey (1994), 13 (1), 45-50.

تعیین شده، آنها تا حد امکان دامهای خود را ذبح و به مصرف رسانند تا به دست دولت نرسد. در این مورد یکی از اقتصاددانان روسی نوشت:

«در دو شب شماره دامهای شاخدار در گرمیاچی به نصف رسید. زیرزمینها و انبارها پُراز گوشت بود، مردم به هم می‌گفتند سر پیر، حالا که مال ما نیست. به هر حال بنگاه تدارکات گوشت از شما می‌گیرد.»

مزارع اشتراکی نیز به دلیل عدم توانایی و تجربه در دامداری، نتوانست حداقل، تعداد دام باقی مانده در این مناطق را حفظ کرده و تدریجاً دامداری در آسیای مرکزی از جمله قزاقستان نابود گردیده و این واقعه نه تنها در توان اقتصادی مردم تأثیر منفی داشته بلکه موجب گردید که مثلاً جمعیت قزاقستان به دلیل وابستگی شدید به دامداری و انهدام آن و اجبار به مهاجرت، طی دوره کوتاهی شدیداً کاهش یابد به طوری که، طی سرشماری‌های به عمل آمده در سالهای ۱۹۲۶ و ۱۹۳۹، جمعیت قزاقستان بیست درصد کاهش یافته بود.<sup>۱</sup>

در زمینه صنعت و معدن نیز، جمهوری‌های آسیای مرکزی از توسعه‌ای که استحقاق آن را داشتند، محروم نگهداشته شده بودند. به عنوان نمونه، جمهوری قزاقستان علی‌رغم دارا بودن منابع غنی معدنی، نفتی و گازی فاقد صنایع سنگین مجهز برای استفاده بهینه از این منابع بود. عدم احداث پالایشگاه نفتی برای این جمهوری نفت خیز موجب گردیده که قزاقستان برای تصفیه نفت خود به منظور مصرف داخلی و یا صادرات ناگزیر به استفاده از پالایشگاههای روسیه گردد. این سیاست از اولین برنامه پنج‌ساله شوروی بین سالهای ۳۳-۱۹۲۹، اجرا گردیده و منابع طبیعی غنی این جمهوری به عنوان منبع تأمین مواد اولیه صنایع سنگین روسیه عمل می‌کرد.<sup>۲</sup> در آخرین برنامه پنج‌ساله شوروی بین سالهای ۹۰-۱۹۸۶ نیز کل منطقه آسیای مرکزی از توسعه صنایع سنگین مستثنی گردیده بود. وجود بعضی از صنایع در منطقه آسیای مرکزی نیز معلول شرایط پدید آمده ناشی از جنگ جهانی دوم و نه تصمیمات خیرخواهانه حاکمان کرملین در مورد مردم این منطقه می‌باشد.

با وقوع جنگ جهانی دوم و پیشروی قوای آلمان نازی به سمت جبهه‌های شرقی، روسها برای محافظت از صنایع مستقر در این نواحی، آنها را به مناطق مرکزی شوروی، خصوصاً جمهوری قزاقستان منتقل ساختند. اگرچه بعد از اتمام جنگ، بخش اعظم این صنایع مجدداً به نواحی غربی شوروی منتقل شد، لیکن همین بخش کوچک از صنایع بجای مانده، نقش مهمی

۱. الک نوو، تاریخ اقتصادی شوروی، ترجمه پیروز الف. (تهران: نشر تندر، ۱۳۶۱) صص ۲۱۰-۲۰۸.

۲. هنن کارر دانکوس، امپراتوری فروپاشیده، ترجمه عباس آگاهی، (مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶)، صص ۱۲۵-۱۲۴.

در اقتصاد جمهوری قزاقستان داشته، به طوری که پیشرفتهای اقتصادی این جمهوری این کشور را از سایر جمهوری‌های مسلمان متمایز می‌سازد.

در راستای سیاست تک‌محصولی کردن جمهوری‌های غیرروس شوروی سابق، طراحان اقتصادی این کشور بازرگانی خارجی جمهوری‌های شوروی سابق را در ابعاد وسیعی محدود به مبادله با یکدیگر کرده بودند.

آمار و ارقام گویای میزان وابستگی جمهوری‌های غیرروس خصوصاً جمهوری‌های مسلمان به سایر جمهوری‌های شوروی سابق و بیش از همه به روسیه است که این وابستگی حتی بعد از کسب استقلال نیز گریبان آنها را نساخته است.

جدول شماره ۱ حکایت از این موضوع دارد که بازرگانی خارجی این جمهوری‌ها به نحوی طراحی شده بود که اکثر آنها دارای تراز بازرگانی خارجی منفی، و دارای بدهی‌های خارجی بوده‌اند.

طبق آمار رسمی، طی دوران حکومت شوروی، ۹۰٪ تجارت خارجی قزاقستان، حدود ۸۵٪ تجارت خارجی ازبکستان و حدود ۸۷٪ تجارت خارجی آذربایجان با سایر جمهوری‌های شوروی سابق بوده که در این میان، روسیه طرف مهم تجاری این جمهوری‌ها محسوب شده، که به‌عنوان نمونه، در سال ۱۹۹۱، ۵۸٪ تجارت خارجی جمهوری آذربایجان با روسیه صورت گرفته است.<sup>۱</sup>

جدول شماره ۱- روند تجارت خارجی جمهوری‌های مسلمان شوروی سابق با سایر جمهوری‌های این کشور طی سال ۱۹۹۰ میلادی<sup>۲</sup> (واحد: میلیون روبل)

نام کشور	صادرات	واردات	تراز
قزاقستان	۸۴۴۳	۱۳۰۲۶	-۴۵۸۳
ازبکستان	۸/۲	۱۱/۹	-۳/۷
قرقیزستان	۲۴۴۶	۲۸۶۳	-۴۱۷
ترکمنستان	۲۴۶۹	۲۹۲۷	-۴۵۸
تاجیکستان	۱۶۷۲	۲۲۱۲	-۵۴۰
آذربایجان	۶۱۰۵	۴۲۴۷	۱۸۵۸

صرفنظر از کانالیزه شدن روابط بازرگانی خارجی جمهوری‌های مسلمان در دوران

<sup>۱</sup> E.I.U., Country Profile of Georgia, Armenia, Azarbaijan, Kazakhstan, Central Asian Republics (93-94, London: E.I.U. 1994), p.62. 1. pp.73, 135, 94.

<sup>۲</sup> E.I.U. Country profile of Georgia, Armenia, Azerbaijan, Kazakhstan, Central Asian Republics 93/94 (London: E.I.U 94).

شوروی سابق، روابط عادلانه‌ای بین روسیه با این جمهوری‌ها برقرار نبوده و بلکه بیشتر حالت استعماری و یک‌طرفه به نفع روسیه داشته است.

قیمتهای تعیین و بلکه تحمیل شده برای کالاهای مورد مبادله بین روسیه با این جمهوری‌ها با قیمتهای واقعی روز در بازارهای جهانی، تفاوت فاحشی داشت. به‌عنوان نمونه قیمتهای تعیین شده برای کالاهای صادراتی ترکمنستان به روسیه که عمدتاً نفت، گاز و پنبه بود، با قیمتهای جهانی غیرقابل قیاس بود. ایضاً طی این دوران جمهوری ازبکستان فقط ۲۰٪ از کل قیمت پنبه صادراتی به روسیه را دریافت می‌داشت. طبیعتاً این وضعیت ضربه‌ای شکننده برای قوام یافتن نظامهای اقتصادی - سیاسی و فرهنگی جمهوری‌های مزبور بود.<sup>۱</sup>

### وضعیت رابطه اقتصادی - بازرگانی روسیه با جمهوری‌ها پس از کسب استقلال

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و کسب استقلال توسط جمهوری‌های مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز، دولتمردان این جمهوری‌ها، تلاش فراوانی را برای احیای اقتصاد فقیر و وابسته کشورهایشان آغاز کردند. لیکن به دلیل اجرای سیاستهای اقتصادی دقیقاً طراحی شده کرملین، کشورهای مزبور در مسیر بازسازی با مشکلات و موانع عدیده‌ای مواجه می‌باشند. از جمله این موارد عبارت‌اند از:

#### الف) تک‌محصولی بودن اقتصاد این کشورها

سیاست اقتصادی کرملین در قبال جمهوری‌های مزبور بر این اصل بنا شده بود که امکانات هریک از این جمهوری‌ها علی‌رغم دارا بودن توانایی فعالیت در زمینه‌های مختلف کشاورزی، صنعتی، عمدتاً در زمینه یک قلم کالا متمرکز گردیده و در سایر زمینه‌ها وابسته به واردات باشند.

به‌عنوان نمونه، جمهوری‌های قزاقستان و ترکمنستان که دارای منابع عظیم نفت و گاز بوده‌اند، علی‌رغم رشد و توسعه بخش صنعت نفت و گاز در این کشورها، بعضاً وابسته به واردات فرآورده‌های نفتی می‌باشند و یا وجود معادن غنی طلا در ازبکستان نتوانسته، پشتوانه قوی برای شکوفایی اقتصادی این کشور جدیدالاستقلال گردد.

این جمهوری‌ها به‌منظور تنوع تولیدات به‌منظور عدم نیاز به واردات و در مرحله بعد توسعه صادرات، نیاز به سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در امور زیربنایی در بخشهای صنعت و معدن بوده که این جمهوری‌ها فاقد توان مالی کافی برای اجرای این طرحها می‌باشند.

به عنوان نمونه جمهوری قزاقستان که بر روی دریایی از نفت قرار دارد در زمینه استخراج و پالایش نفت حتی برای تأمین نیازهای داخلی خود نیز با مشکل مواجه است. به طوری که یکی از اعضای هیئت نمایندگی دولت قزاقستان که سال گذشته به انگلستان سفر کرده بود، اظهار می‌دارد: «ما روی میلیاردها تن نفت و گاز راه می‌رویم؛ در حالی که از شدت سرما در فصل سرما جان می‌دهیم. علت بروز این وضع اسفناک چیزی جز عدم توافق بین روسیه و قزاقستان نیست. زیرا قزاقها خود پالایشگاه نداشته و توافق لازم بین روسیه و قزاقستان به منظور پالایش نفت این کشور در پالایشگاههای روسیه حاصل نشده است».<sup>۱</sup>

همچنین در سایر جمهوری‌ها نیز بهره‌برداری از معادن غنی و باارزش نیاز به سرمایه‌گذاری‌های هنگفت و نیز دوره‌ای میان‌مدت برای جوابگویی این سرمایه‌گذاری‌ها دارد. برای حل این معضل بسیاری از دولتمردان جمهوری‌های جدیدالاستقلال دست نیاز به سوی شرکتها و بانکهای خارجی و اکثراً غربی دراز نموده‌اند، که با توجه به شناخت شرکت‌های غربی از منابع بکر و ذی‌قیمت نهفته در منطقه، به این خواسته دولتهای جمهوری‌های مزبور، سریعاً پاسخ مثبت گفته به طوری که با گذشت مدت کوتاهی از کسب استقلال، این جمهوری‌ها دهها قرارداد عظیم استخراج و بهره‌برداری از منابع معدنی، نفتی و گاز با شرکت‌های خارجی منعقد نموده‌اند. یکی از این قراردادها، قرارداد منعقد شده بین دولت جمهوری آذربایجان و چند شرکت بزرگ نفتی غربی در شهریور ۱۳۷۳ می‌باشد. به گزارش روزنامه ایزوستیا چاپ مسکو، به موجب قرارداد مزبور که به دلیل عظمت ارزش آن، به قرارداد «قرن» شهرت یافته، طی مدت سی سال ۵۱۱ میلیون تن نفت از دریای خزر استخراج شده که از این میزان فقط ۲۵۳ میلیون تن نفت استخراجی متعلق به آذربایجان خواهد بود؛ ۸۰ درصد از سرمایه‌گذاری‌های لازم که معادل ۷/۴ میلیون دلار می‌گردد توسط شرکت‌های غربی صورت خواهد گرفت. همچنین ۵۵ میلیارد مترمکعب گاز حاصل از این بهره‌برداری به جمهوری آذربایجان تعلق خواهد داشت.<sup>۲</sup>

امضای این قرارداد بدون سهم کردن روسیه، خشم کرملین را برانگیخته، به طوری که دولت یلتسین رسماً و صریحاً به دولت آذربایجان در رابطه با عواقب این اقدام هشدار داده و به گزارش یک روزنامه روسی دیگر، رئیس‌جمهور روسیه به منظور تحت فشار قرار دادن دولت آذربایجان در زمینه مشارکت دادن روسیه در عملیات بهره‌برداری از منابع نفتی در تابستان ۷۳ دستور محرمانه‌ای صادر نمود.<sup>۳</sup>

یکی از پیامدهای اقدام مستقل دولت جمهوری آذربایجان در عدم انتخاب روسیه به

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، روسیه، روند بازگشت به قلمرو سابق (۲)، ۱۱/۸/۷۳، ص ۳۹.

۲. روزنامه رسالت، ۸/۷/۷۳، ص ۳.

۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۷/۸/۷۳.



عنوان طرف معامله طبق روال دوران شوروی سابق، وقوع کودتای نافرجام در مهر ۷۳ در باکو بود. نقش روسیه در این کودتا آنچنان بارز بوده که حتی حیدرعلی‌اف رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان بعد از شکست کودتا رسماً اعلام داشت که «رئیس‌جمهور سابق و رئیس‌کابینه سابق این جمهوری در مسکو این کودتا را طراحی کرده بودند».

اعمال فشار سیاسی و نظامی توسط روسیه علیه آذربایجان مثل کمک تسلیحاتی به ارامنه در جنگ قره‌باغ، اقدام هشداردهنده‌ای برای سایر جمهوری‌های مسلمان محسوب می‌گردد، که در انجام معاملات خارجی، کاملاً دارای استقلال رأی نبوده و باید به نحوی رضایت «برادر بزرگ» را تأمین نمایند.

### ب) وابستگی ساختاری به روسیه از نظر لجستیک و حمل‌ونقل بین‌المللی

یکی دیگر از مشکلات اساسی جمهوری‌های مسلمان شوروی سابق در زمینه اقتصاد و بازرگانی خارجی، وابستگی این کشورها به قلمرو روسیه و تأسیسات موجود در آن می‌باشد. طی دوران حکومت شوروی سابق، جاده‌ها، خطوط راه‌آهن، خطوط لوله انتقال نفت و گاز به‌نحوی احداث گردیده بودند که نهایتاً به روسیه ختم می‌شدند. این موضوع، پس از کسب استقلال یک مشکل عمومی برای جمهوری‌های مزبور به‌منظور حمل‌ونقل کالاهای صادراتی و وارداتی آنها ایجاد نموده، و در حال حاضر از این وضعیت روسیه کمال استفاده به‌منظور باج‌خواهی از حکومت‌های جوان این کشورها را می‌کند.

به‌عنوان نمونه، صادرات نفت برای بقای جمهوری قزاقستان حیاتی بوده، که در این زمینه بعد از انعقاد قراردادهایی با شرکتهای غربی، در زمینه استخراج نفت این جمهوری با مسئله نحوه انتقال آن به خارج مواجه شده است. زیرا تنها خط انتقال نفت موجود قزاقستان از خاک روسیه می‌گذرد و روسیه از این موضوع برای اعمال فشار بر دولت قزاقستان استفاده کرده و موضعی سخت اتخاذ نموده است.

ترکمنستان نیز در زمینه صدور گاز، با توقعات بالای روسیه به دلیل گذشتن خط لوله انتقال گاز از خاک این کشور مواجه شده است.<sup>۱</sup>

جمهوری آذربایجان نیز برای انتقال نفت خود به بازارهای جهانی با مشکلاتی مواجه بوده و بناچار مجدداً به سوی روسیه دست نیاز دراز نموده است. بروز جنگ در قره‌باغ و همچنین مشکلات موجود در منطقه آبخازستان جمهوری گرجستان، موجب گردیده که جمهوری آذربایجان به صدور نفت خود از طریق خاک روسیه حتی توسط راه‌آهن، مجبور گردد.

در حال حاضر نیز طرحی در دست مطالعه می‌باشد که خطلوله نفت خام که از استان «تیومن» در روسیه به پالایشگاه باکو امتداد داشت را برعکس کرده تا نفت صادراتی جمهوری آذربایجان را بتوان از طریق آن به بنادر روسیه رساند.<sup>۱</sup>

عدم دسترسی مستقیم جمهوری‌های مسلمان شوروی سابق به آبهای بین‌المللی و وجود سد بزرگی چون روسیه در مقابل آنها، مشکل اصلی بازرگانی خارجی این کشورها در زمینه حمل‌ونقل کلیه کالاهای مورد مبادله با خارج از قلمرو شوروی سابق می‌باشد.

### اتحادیه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS)

«الکسی پوشکف» سردبیر هفته‌نامه «مسکونیوز» که مسئولیت تنظیم متن سخنرانی‌های گورباچف در دوران ریاست‌جمهوری وی را به عهده داشت در زمستان سال ۱۹۹۴ در مقاله‌ای نوشت: «شوروی سابق از بُعد اقتصادی یک بدنه واحد بود. هیچ‌کدام از جمهوری‌ها به بازار خارج از خودشان راه نداشته و متکی به یکدیگرند. همچنان‌که تجربه اوکراین نشان داد، تقریباً همه این کشورها متکی به نفت، گاز و دیگر منابع و ماشین‌آلات روسیه می‌باشند. طبیعی است در این چارچوب روسیه نقش هسته مرکزی اقتصادی این جامعه نوظهور را ایفا کند. می‌توان گفت روسیه به منظور تقویت نقش خود در قلمرو شوروی سابق از این وابستگی جمهوری‌های مزبور بهره‌برداری می‌کند».<sup>۲</sup>

روسیه به منظور استمرار و هدایت این روند وابستگی به ابتکار ایجاد یک پیمان منطقه‌ای بین جمهوری‌های شوروی سابق بعد از کسب استقلال آنها دست زد، که سه جمهوری اسلاو (روسیه، اوکراین و بیلوروسی) مؤسسه آن بوده، سپس سایر جمهوری‌ها نیز به آن پیوستند.

در بین جمهوری‌های مسلمان شوروی سابق در حال حاضر جمهوری آذربایجان تنها کشوری است که به این اتحادیه نپیوسته است. الحاق سایر جمهوری‌ها به این اتحادیه به رهبری روسیه نیز از روی ملاحظات سیاسی و ضرورت‌های اقتصادی بوده است.

تحت پوشش این اتحادیه، روسیه سعی به حفظ موقعیت خود در قلمرو شوروی سابق دارد. انعقاد ۷۲ قرارداد با سایر اعضای اتحادیه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع طی سال ۱۳۷۲ توسط روسیه نمایانگر میزان و ابعاد فعالیت روسیه در این زمینه می‌باشد. لیکن این اتحادیه سریعاً غیرعملی بودن خود را به اثبات می‌رساند. به طوری که الکساندر شوخین معاون

۱. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، بولتن روزانه بازرگانی، ۷۳/۹/۲۱، صص ۲-۱.

۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، پیشین، ص ۳۹.

نخست‌وزیر روسیه در اجلاس تعدادی از سران کشورهای عضو اتحادیه که در سال ۷۳ در ترکمنستان برگزار گردید اظهار داشت: «اتحادیه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع از ابتکار عمل و انرژی فراوانی برخوردار نبوده ولی به‌رغم آن هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد».

این موضوع عدم تمایل جدی اعضای غیرروس این اتحادیه، به مشارکت فعال در برنامه‌هایی که روسها برای آنها ترسیم نموده‌اند را نشان می‌دهد.

یکی از اقداماتی که از درون این اتحادیه به‌منظور تضعیف آن برداشته شده، تصمیم (ژانویه ۱۹۹۴) قزاقستان و ازبکستان مبنی بر ایجاد یک اتحادیه اقتصادی به‌منظور مبادله آزادانه کالا، خدمات و سرمایه و نیز هماهنگ‌سازی عملیات بانکی، بودجه، مالیات، حقوق گمرکی و نرخ ارز تا سال ۲۰۰۰ می‌باشد.

طبق تحلیل نشریه اکونومیست، اندیشه ایجاد نوعی اتحاد اقتصادی بین پنج جمهوری آسیای مرکزی از مدتها قبل طراحی شده لیکن این کشورها که جدیداً استقلال خود را کسب نموده‌اند از متعهد ساختن خود به هر نوع سیاست مشترک در قالب هر اتحادیه‌ای محتاطانه عمل می‌کنند. این نشریه می‌افزاید، تصمیم کشور قزاقستان و ازبکستان برای ایجاد این اتحادیه - تحت فشار ناشی از فروپاشی قریب‌الوقوع اقتصادی و نیز ضرورت کاهش وابستگی اقتصادی به روسیه گرفته شده است. آقای نظربایف از سایر جمهوری‌ها نیز برای عضویت در این اتحادیه دعوت به عمل آورده است.

**نقش اقلیتهای روس تبار در اقتصاد و بازرگانی جمهوری‌های مسلمان شوروی سابق**  
وضعیت اقلیتهای روس تبار مقیم جمهوری‌های شوروی سابق از جمله جمهوری‌های مسلمان، یکی از معضلات مهم این جمهوری‌ها پس از کسب استقلال بوده، به‌نحوی که بسیاری از تصمیمات متخذه توسط این جمهوری‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده است.

سیاست اسکان مهاجران روس در جمهوری‌های آسیای مرکزی از دوران حکومت تزارها آغاز و طی دوران حکومت کمونیستی نیز شدت یافت. استالین بر سیاست روسی کردن این مناطق تأکید زیاد داشت. وقوع جنگ جهانی دوم بهانه دیگری برای مهاجرت دادن روسها به آسیای مرکزی بود. با پیشروی قوای هیتلر در جبهه‌های شرقی، دولت‌مردان مسکو به‌منظور مصون نگهداشتن صنایع و کارخانجات مستقر در این مناطق، این تأسیسات همراه با کارکنان روسی آنها را به سایر مناطق خصوصاً قزاقستان انتقال دادند. این موضوع موجب اقامت دائمی بخشی از متخصصان روسی در آسیای مرکزی شده، که اینک نیز در بخشهای تخصصی این

جمهوری‌های مستقل از جمله اقتصاد و صنایع نقش چشمگیری ایفا می‌کنند.<sup>۱</sup> در دهه ۱۹۵۰ سیاست «سرزمینهای بکر»<sup>۲</sup> خروشچف، خیل عظیمی از روسها را به مناطق حاصلخیز شمال قزاقستان انتقال داد. ابعاد عملیات اعزام مهاجران روسی آنچنان وسیع بوده که بعد از گذشت چهل سال از آغاز کار، در حال حاضر روسها در مناطق شمالی این جمهوری که صنایع سنگین و مزارع مکانیزه این کشور در آن تمرکز یافته، از نظر جمعیت در اکثریت قرار دارند.

آخرین آمار منتشره، شمار روسهایی که تبعه جمهوری‌های مسلمان می‌باشند را به شرح ذیل نشان می‌دهد.<sup>۳</sup>

۱. قزاقستان ۳۷٪	۲. قرقیزستان ۲۱/۵٪
۳. تاجیکستان ۳/۵٪	۴. ازبکستان ۸/۳٪
۵. ترکمنستان ۹/۸٪	۶. آذربایجان ۵/۶٪

به این ارقام باید نیروهای نظامی روسی که در بعضی از این کشورها حتی بعد از کسب استقلال حضور چشمگیر دارند را باید افزود. در حال حاضر ارتش روسیه در جمهوری تاجیکستان حضور داشته و در ارتش ملی ترکمنستان نیز روس‌تبارها سمتهای مهمی را در تصدی دارند.<sup>۴</sup>

رهبران ملی جمهوری‌های مسلمان با پذیرش نفوذ روسها و گروههای کمونیست وابسته به آنها، در درازمدت بوقوع دو پدیده اجتماعی امید بسته‌اند:

الف) نرخ مولید مسلمانها بسیار بیشتر از اقوام دیگر خصوصاً اروپاییان و روسهای مقیم این جمهوری‌ها بوده که این موضوع در درازمدت درصد جمعیت روس‌تبارها را در این جمهوری‌ها بشدت کاهش خواهد داد.

ب) پس از فروپاشی شوروی سابق و استقلال جمهوری‌های مسلمان، سیاست اعزام مهاجر روس به این جمهوری‌ها متوقف شده و متقابلاً با توجه به تشدید احساسات ضدروسی در این جمهوری‌ها، روند مهاجرت روسها به موطن اصلی یعنی روسیه، بشدت افزایش یافته است. به عنوان نمونه جمعیت روس‌تبارها در شهر صنعتی اکتانو در قزاقستان از ۹۵ درصد در دهه هفتاد به ۴۷ درصد در سال ۱۹۹۳ رسیده است.<sup>۵</sup>

1. E.I.U. *op.cit.*, p.62.

2. Virgin Land

3. *Newsweek*, 27 June 94, p.27.

۴. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵، تابستان ۷۳، ص ۹۶.

۵. ضمیمه روزنامه اطلاعات، ۷۳/۷/۲۳.

## نتیجه‌گیری

فروپاشی نظام شوروی سابق موهبتی است الهی برای جمهوری‌های مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز که لازم است مردم این جمهوری‌ها برای جبران دهها سال استعمار و آغاز توسعه فرهنگی و اقتصادی، از این فرصت به‌وجود آمده نهایت استفاده را بنمایند. بعد از کسب استقلال همه این جمهوری‌ها درصدد گسستن زنجیرهای وابستگی به مسکو بوده‌اند، لیکن در این راه دولتمردان این جمهوری‌ها بعضاً مرتکب اشتباهاتی از جمله گرایش شدید به سمت دولتهای استعمارگر غربی گردیده که انعقاد دهها قرارداد درازمدت با ارزش هنگفت برای بهره‌برداری از منابع طبیعی این کشورها توسط شرکتهای غربی و حتی صهیونیستی یکی از نمودهای بارز آن می‌باشد.

این‌گونه اقدامات انفعالی و شتاب‌زده (پناه بردن به یک قدرت استعمارگر برای رهایی از دیگری)، اولاً، موجبات وابستگی سیاسی و اقتصادی این کشورها را فراهم ساخته، ثانیاً، حضور گسترده اسرائیل و بعضی از کشورهای غربی خصوصاً آمریکا برای مردم مسلمان این کشورها قابل پذیرش نبوده و موجبات نارضایتی آنها نسبت به دولتمردان این کشورها را برمی‌انگیزد، ثالثاً، حضور کشورهای غربی در منطقه، بهانه‌ای برای روسیه برای دخالت در امور داخلی این کشورها شده، که نهایتاً منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را دچار تنش و تبدیل به صحنه رقابت بین روسیه و کشورهای غربی خواهد کرد، که همه این موارد مانع توسعه واقعی و پایدار این جمهوری‌های جوان می‌گردد.

لذا منطقی به نظر می‌رسد که جمهوری مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز، به منظور کسب استقلال اقتصادی و تحکیم استقلال سیاسی خود، به همگرایی منطقه‌ای روی آورده و در مرحله اول برای تأمین نیازهای خود از نیروها و امکانات وسیع موجود در منطقه استفاده نمایند. از جمله این اقدامات می‌تواند موارد ذیل باشد:

۱. یکی از مشکلات مهم اقتصادی جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز، فقدان سرمایه نقدی کافی، به منظور بهره‌برداری از منابع غنی معدنی و نفتی این کشورها بوده، که موجب گردیده، کشورهای مزبور به شرکتهای و بانکهای غربی روی آورند. بانک توسعه اسلامی با توجه به توان مالی بالای آن می‌تواند نقش مؤثری در رفع نیاز جمهوری‌های مزبور ایفا نماید.

۲. فقدان کادر متخصص و کارشناس به منظور احیای صنعت و اقتصاد این کشورها، یکی از عوامل انعقاد قراردادهای هنگفت با شرکتهای غربی می‌باشد. لیکن با توجه به تجربیات سایر کشورهای منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران در زمینه بهره‌برداری از منابع زیرزمینی و وجود کارشناسان زبده در این زمینه، کمیته‌های فنی سازمان همکاری‌های اقتصادی (ا.کو)

می‌توانند مرجع شایسته‌ای برای تأمین نیاز کشورهای مزبور در این زمینه و از داخل مجموعه اکو باشند، خصوصاً این‌که همهٔ جمهوری‌های مسلمان شوروی سابق بعد از کسب استقلال به این اتحادیه منطقه‌ای پیوسته‌اند.

کلاً، اکو در صورت فعال شدن می‌تواند فضای بسیار خوبی برای فعالیتهای صنعتی از طریق سرمایه‌گذاری‌های مشترک و غیره و نیز بازرگانی خارجی پدید آورد.

۳. یکی از مشکلات جمهوری‌های آسیای مرکزی و حتی آذربایجان، که به دلیل موقعیت جغرافیایی و وجود جنگ و خصومت سیاسی در منطقه قفقاز پدید آمده، مشکل حمل و نقل کالا در فعالیت بازرگانی خارجی می‌باشد.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به دارا بودن موقعیت ویژه جغرافیایی می‌تواند پلی برای اتصال این جمهوری‌ها به خلیج فارس و اقیانوس هند و از آنجا به بازارهای بین‌المللی بوده و از این طریق نقش مؤثری در کاهش وابستگی این جمهوری‌ها به قلمرو زمینی و دریایی کشور روسیه و به تبع آن تضعیف کاهش اهرم فشار روسیه بر این کشورها برای ترانزیت کالاهایشان داشته باشد، که در این رابطه منطقه آزاد چاه‌بهار از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است.

۴. نظر به این‌که بعضی از کشورهای مسلمان شوروی سابق مثل قزاقستان و جمهوری آذربایجان در آینده نزدیک از صادرکنندگان بزرگ نفت در جهان خواهند بود، حضور فعال این کشورها در اوپک می‌تواند نقش بسزایی در تأمین منابع ملی آنها در بازارهای نفت بین‌المللی ایفا نمایند. در اینجا سخن را با پیام تاریخی حضرت امام خمینی (ره) به میخائیل گورباچف در دی‌ماه ۱۳۶۷ و در دوران زمامداری وی بر اتحاد جماهیر شوروی که لازم است بعد از گذشت ۶ سال نصب‌العین صاحبان حکومت در جمهوری‌های مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز نیز قرار گیرد، به پایان می‌رسانیم:

«البته ممکن است از شیوه‌های ناصحیح و عملکرد غلط قدرتمندان پیشین کمونیسم در زمینه اقتصاد، باغ سبز دنیای غرب رخ بنماید ولی حقیقت جای دیگری است. شما اگر بخواهید در این مقطع تنها گره‌های کور اقتصادی سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه‌داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه خویش را دوا نکرده‌اید که دیگران باید ببینند و اشتباهات شما را جبران کنند. چرا که امروزه اگر مارکسیسم در روشهای اقتصادی و اجتماعی به بن‌بست رسیده است، دنیای غرب هم در همین مسائل، البته به شکل دیگر، و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است.»

## منابع

۱. ریوکی، مایکل، حکومت مسکو و مسئله مسلمانان آسیای مرکزی شوروی، ترجمه محمود رمضانزاده، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی ۱۳۶۶.
۲. نوو، آک، تاریخ اقتصادی شوروی، مترجم: پیروز الف. تهران: نشر تندر، ۱۳۶۱.
۳. کارردانکوس، هنن، امپراتوری فروپاشیده، ترجمه عباس آگاهی، مشهد: معاونت فرهنگی استان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
۴. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵، تابستان ۷۳.
۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، بوئن روسیه روند بازگشت به قلمرو سابق (۲) ۷۳/۸/۱۱.
۶. روزنامه رسالت، ۷۳/۷/۱۸.
۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۳/۸/۷، ۷۳/۸/۲۴، ۷۳/۸/۲.
- ۱۰ و ۱۱. روزنامه اطلاعات، ۷۳/۷/۲۱ و ۷۳/۷/۲۳.
۱۲. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، بوئن روزانه بازرگانی، ۷۳/۹/۲۱.
۱۳. مجله صفحه اول، ویژه‌نامه نوروز ۷۳.
14. BISNIS, Commercial overview of Tajikistan Washington: BISNIS, 94.
15. BISNIS, Commercial overview of Uzbekistan Washington: BISNIS, 94.
16. BISNIS, Commercial overview of Turkmenistan Washington: BISNIS, 94.
17. Goldman I.Marshall. *USSR in Crisis, the failure of the Economic system*, New York: W.W.Norton Company, 1983.
18. Cevikoz Unal, «A brief account of the economic situation in the former soviet republics of Central Asia, Central Asian Survey, (1994), 13, (1).
19. E.I.U., Country Profile of Georgia, Armenia, Azarbaijan, Kazakhstan, Central Asian Republics 93/94, London: E.I.U.94.
20. *Newsweek*, 27 June 94.



پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علوم انسانی